

فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025 Article Cod: 2019Y2N6A9 ISSN-E: 6452-2588

## بررسی مغایرت مقررات و احکام دادگاه های ویژه اطفال با

### پیشنهادات جرم شناختی بالینی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۵/۲۰)

ابراهیم صادق زاده

#### چکیده

بزهکاری کودکان و نوجوانان واقیعی انکارناپذیر در جهان است که نیازمند نگرش ویژه در همه حوزه های اجتماع به ویژه نظام حقوقی و قضایی می باشد. سیاست جنایی افتراقی و تخصصی شدن حقوق کیفری اطفال با هدف دوری جستن از نگاه کیفری محض و توسل به رویکرد اصلاحی، بازپروانه و پیشگیرانه از دستاوردهای جامعه امروز بشر می باشد. جرم شناسی بالینی با پرداختن به شخصیت بزهکار و محیط پیرامون وی، علل و عوامل جرمزا و حالت خطرناک فرد بزهکار را مورد توجه قرار داد و در نهایت با هدف اصلاح و درمان و باز اجتماعی سازی، تدابیر متناسب با شخصیت وی و نظارت برابری آن تدابیر را توصیه می کند. بنابراین سیستم عدالت کیفری کودکان و نوجوانان باید در همه مراحل با بهره جستن از آموزش های جرم شناسی بالینی، آنان را در بازگشت به چرخه طبیعی و عادی زندگی اجتماعی یاری رساند. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان شناسی، مددکاری و جرم شناسی است، در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان بزهکار، جرم شناسی بالینی، دادگاه ویژه اطفال





## بخش اول: کلیات

آینده کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده، اگرچه علیرغم این، همیشه هم مورد بی‌توجهی و بی‌مهری واقع شده‌اند. (آشوری، ۱۳۹۲). گرایش به بزهکاری در دوران کودکی، اطفال و نوجوانان را از طی مسیر رشد و تعالی بازداشته جایگاه آینده آنان را در اجتماع به مخاطره می‌اندازد. از همین روست که امروزه راهبرد بین‌المللی پیشگیری از جرم از سطح سوم (سزادهی، ناتوان سازی، اصلاح و درمان مجرمان) به پیشگیری زودرس تغییر کرده و در حال حرکت به سوی ترکیبی از راهبردهای پیشگیری اولیه (پیشگیری عمومی) و پیشگیری ثانویه (پیشگیری از بزهکاری افراد در معرض خطر) است. تلاش برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، مبانی حق‌محور دارد. شناسایی عوامل خطر گرایش به بزهکاری و همچنین شناسایی عوامل حمایت‌کننده کودکان و نوجوانان در مقابل این خطرها دو رکن اصلی پیشگیری رشد‌مدار را تشکیل می‌دهند.

## بند اول: موضع قانون‌گذار ایران در قوانین پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییرات عمده‌ای قرار گرفت که البته دلیل اصلی آن نیز تقید قانون‌گذار ایرانی به موازین شرعی و نظرات مشهور فقها بود. در زیر بخشی از این تغییرات مورد بررسی قرار می‌گیرند:

در سال ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تصویب قرار گرفت که در ماده ۲۶ آن مقرر گشته بود: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عند الاقتضاء قانون اصلاح و تربیت می‌باشد» و در تبصره ۱ بیان شده بود که: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد» (پورقهرمانی و احدی، ۱۳۹۳). نه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی تصویب گردید. در این قانون نیز قانون‌گذار رویه‌ی سابق را در پیش گرفت و سن مسئولیت کیفری افراد را در ماده ۴۹ آن مساوی با حد بلوغ شرعی دانست، بر این اساس ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشت: «اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری



هستند» و تبصره همین ماده در تعریف طفل بیان می‌کند «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». قانون‌گذار در اینجا صرفاً به تعریف طفل پرداخته بود و به تبیین «بلوغ شرعی» نپرداخته بود ولی در رویه قضایی ملاک و مبنای بلوغ شرعی، ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی یعنی «سن بلوغ» در نظر گرفته می‌شد. در حالی که این اجتهاد در مقابل نص «حد بلوغ شرعی» بود در حالی که مقنن عالما و آگاهانه اصطلاح «حد بلوغ شرعی» را آورده بود و این منطبق با مبانی فقهی بود. با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مشاهده می‌شود که بار دیگر سن بلوغ (۹ سال و ۱۵ سال) معیار تعیین سن مسئولیت کیفری دانسته شده است. انعطاف بیشتر قانون‌گذار در این خصوص ماده ۹۱ آن قانون می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به سایر قوانین پس از انقلاب گام‌های رو به جلویی را در خصوص حقوق اطفال معارض با قانون برداشته و واکنش‌های اجتماعی منصفانه‌ای را در مقابل آن‌ها به رسمیت شناخته، هرچند که علی‌رغم انتقادهای موجود از موضع خود در رابطه با ترادف سن مسئولیت کیفری و حد بلوغ شرعی کوتاه نیامده است و با حفظ ظاهر شرع از سیاست سابق عدول کرده و سیاست جنایی و افتراقی جدیدی را اتخاذ نموده هرچند که در ظاهر بازگشت به سن بلوغ است (پورقهرمانی، ۱۳۹۲).

### بند دوم: قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران

ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان، قانون‌گذاران ملی را بر آن داشته است؛ که درصدد اصلاح قوانین موجود برای کودکان، بر اساس واقعیت‌های اجتماعی، برآیند و قوانین ویژه‌ای را که در بر دارنده‌ی حقوق کیفری ماهوی و شکلی باشد تدوین کنند. در ایران به طور کلی نمی‌توان گفت که سمت و سوی سیاست تقنینی در قبال کودکان بزهکار مبتنی بر ارفاق و اصلاح و درمان بوده یا مبتنی بر سرکوب و تعزیر است. (جوانمرد، ۱۳۸۹). در ایران پس از قانون مجازات ۱۳۰۴ که طی چند ماده به بیان نحوه دادرسی اطفال پرداخت؛ اولین قانون مربوط به تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید و مورد توجه دادگاه‌ها و استناد احکام آنها قرار گرفت. بعد از پیروزی انقلاب



اسلامی، قانون گذار با الگو پذیری از حقوق اسلامی با اتخاذ شیوه‌ای جدید در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ رویکرد جدیدی را نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان نشان داده است؛ اما اهمیت توجه به اطفال و نوجوانان بزهکار و دادرسی عادلانه نسبت به آنان اقتضای آن را داشت که یک قانون مستقل در رابطه با نحوه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با راهکارهای جدید و اتخاذ روش‌های مؤثرتر به تصویب برسد که این اندیشه باعث ارائه لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان گردید که نهایتاً بخش ماهوی آن در قالب قانون مجازات اسلامی و بخش شکلی آن در قالب قانون آیین دادرسی کیفری هر دو مصوب ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسید. (شاملو، ۱۳۸۹).

### بخش دوم: مرحله‌ی پیش از دادرسی

مرحله‌ی پیش از دادرسی، اولین مرحله ورود اطفال بزهکار به چرخه‌ی فرایند کیفری است و از آن جهت اهمیت دارد که احتمال بیشترین تهاجم علیه حقوق آنان در این مرحله وجود دارد. از آنجا که اولین برخورد کودکان و نوجوانان با دستگاه قضایی این مرحله صورت می‌گیرد و اولین برخورد نیز از قابلیت تأثیرگذاری بالایی برخوردار است که می‌تواند اقدامات سایر مراحل را نیز تحت الشعاع قرار دهد، لذا ساماندهی ساختار این مرحله جهت نیل به اهداف حمایتی و مهم‌تر از آن اهداف مبتنی بر پیشگیری رشدمدار دادرسی اطفال، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

#### ۱- پلیس اطفال نوجوانان

در ایران نیز، به موجب ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، به منظور حسن اجرای ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. به موجب این ماده وظایف و حدود اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود. باید اضافه کرد باتوجه به تبصره ۱ ماده‌ی ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که عنوان می‌دارد:



تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه‌ی وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان و داسرا است انجام می‌دهد؛ شاید اینگونه به ذهن متبادر گردد که پلیس اطفال جایگاهی نداشته و بهتر است عنوان این واحد تخصصی، به پلیس ویژه نوجوانان تغییر یابد. در پاسخ باید گفت که هرچند مطابق با تبصره مورد اشاره، ضابطین دادگستری حق مداخله در پرونده‌های اطفال را ندارند ولی در عمل مواردی پیش می‌آید که دادگاه انجام برخی تحقیقات را به این واحد ارجاع دهد. ماده ۴۲ نیز به نحوی این مطلب را تأیید می‌کند، چراکه بازجویی از افراد زیر پانزده را در صورت امکان توسط بازجوی زن امکان‌پذیر می‌داند. همچنان که در هر صورت، موارد جلب و دستگیری توسط نیروی انتظامی انجام می‌گیرد؛ بنابراین پلیس ویژه اطفال در حیطه انجام این وظایف دارای معنا و مفهوم بوده و باید تشکیل گردد.

## ۲- داسرای اطفال و نوجوانان

در رابطه با رسیدگی به بزهکاری اطفال، یکی از مراجع تصمیم‌گیرنده، داسرای اطفال و نوجوانان است؛ بدین صورت که در بیشتر کشورها، هرگاه طفل یا نوجوانی که به سن بلوغ کیفری نرسیده، مرتکب جرم شود، داسرای اطفال وارد عمل می‌شود. تفکیک مرحله مقدماتی از رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان با عدالت سازگارتر می‌باشد، چرا که بیطرفی مقام رسیدگی‌کننده را در پی دارد. یکی از نهادهای دیگری که به موجب این قانون و ماده ۲۸۵ تشکیل می‌شود داسرای ویژه نوجوانان است. این ماده مقرر می‌دارد: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از داسرای عمومی و انقلاب با عنوان داسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود».

### الف: دامنه‌ی صلاحیت

در مورد حیطه صلاحیت این نهاد باید گفت با توجه به ماده‌ی ۲۸۵، داسرای اطفال و نوجوانان عهده‌دار انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده ساله است؛ تبصره این



ماده نیز به انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد زیر پانزده سال در دادگاه اطفال و نوجوانان ، اشاره دارد. ملاحظه می‌گردد که با توجه به دامنه صلاحیت این دادسرا، دادسرای مربوطه را با وجود عنوان آن باید فقط دادسرای نوجوانان قلمداد نمود. چراکه صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد زیر پانزده سال را ندارد. از این رو عنوان دادسرای نوجوانان جهت نام‌گذاری چنین نهادی مناسب‌تر است . بایستی توجه داشت عدم دخالت دادسرا در رابطه با اطفال به این معنا نیست که پرونده‌های آنان مستقیماً در دادگاه مطرح گردد. بلکه «مانند سایر جرایم ابتدا پرونده در دادسرا مطرح شده و زمانی که بازپرس شرایط ماده‌ی ۲۸۵ و تبصره آن را احراز نمود، بدون انجام اقدامی، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه اطفال و نوجوانان می‌فرستد» (خالقی، ۱۳۹۳) افزون بر این به استناد مواد ۳۰۶ و ۳۴۰، جرایم منافی عفت و همچنین جرایم تعزیری درجه هفت و هشت نیز مستقیماً در دادگاه صالح رسیدگی می‌شوند. در تبصره ماده ۴ کنوانسیون حقوق اطفال مصوب ۱۹۸۹ چنین تصریح شده است، به تمام افرادی که کمتر از ۱۸ سال دارند طفل اطلاق می‌شود مگر این‌که طبق قوانین سن کبر کیفری تعیین شده باشد (موسوی، ۱۳۹۰).

### ب: بررسی تشریفات حاکم

در مورد تشریفات حاکم بر دادسرا باید گفت یکی از جنبه‌های مهم دادرسی اطفال ، مشارکتی بودن آن است. آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است مشارکت والدین و توجه به نهاد خانواده در این مرحله از دادرسی نوجوانان است. ماده‌ی ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با توجه به این واقعیت ، تغییر قابل توجهی نسبت به ماده مشابه در قانون سابق دارد. طبق ماده‌ی ۲۸۷، در جریان تحقیقات مقدماتی بازپرس مکلف است در وهله‌ی اول نوجوانان را به والدین یا سرپرست قانونی یا در صورت عدم دسترسی یا امتناع از پذیرش آنان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند بسپارد. بدیهی است در رابطه با اطفال که تحقیقات مقدماتی، توسط دادگاه انجام می‌گیرد، نهاد صادر کننده این قرار قاضی دادگاه است . این ماده در ادامه بیان می‌کند که در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا



وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان پذیر است . باید گفت ماده‌ی ۲۸۷ که قرارهای سالب آزادی را صرفاً در شرایط خاصی مجاز دانسته و قرارهایی را نیز که ممکن است منتهی به قرار سالب آزادی گردند، در صورت ضرورت و در رابطه با افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تجویز نموده است ، مصداق بارزی از توجه به اصل مداخله کمینه‌ای حقوق کیفری قلمداد می‌گردد. «اصل حداقل مداخله ، متضمن توسل به حقوق کیفری به عنوان آخرین وسیله و در حداقل موارد ضروری است» (نوبهار، ۱۳۹۰).

### بخش سوم: مرحله دادرسی

دادگاه اطفال و نوجوانان به موجب ماده ۲۹۴ به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های دادگاه کیفری تشکیل می‌شود. به موجب این ماده دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک ، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب ، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود. به موجب ماده ۴۰۸ قانون ، رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد. این دادگاه به موجب ماده ۲۹۸ قانون ، با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. به موجب همین ماده ، نظر مشاوران ، مشورتی است.

### بند اول: دامنه صلاحیت

موضوع بسیار مهم در رابطه با این نهاد اختصاصی، دامنه صلاحیت دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان است . در رابطه با حوزه صلاحیت شخصی دادگاه اطفال و نوجوانان ماده ی ۳۰۴ اینگونه بیان میدارد: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی میشود.» ملاحظه می‌گردد که بر خلاف قانون سابق ، رسیدگی به جرایم بالغین زیر هجده سال را نیز در همان ماده و بلافاصله بعد از کودکان عنوان نموده که گویای تغییر رویکرد قانونگذار و توجه به این واقعیت است که بالغین زیر ۱۸ سال نیز به اندازه کودکان و نابالغان نیازمند حمایت هستند؛ بنابراین قانون‌گذار با افزایش گستره حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون، در بستر الگوی حمایتی ویژه اطفال اقدام نموده است ؛ زیرا کاهش





سن مسئولیت کیفری و به تبع آن کاهش حوزه صلاحیت مراجع تخصصی اطفال از آثار الگوی عدالت کیفری است که به علت رویکرد سزادهی حاکم بر آن، مناسب اطفال نمی‌باشد. لازم به ذکر است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در رابطه با سن مسئولیت کیفری اطفال، تغییراتی داشته است و به لحاظ مسئولیت کیفری تدریجی، ذیل مواد ۸۸ تا ۹۶، قواعد ویژه‌ای را در رابطه با پاسخگویی به کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۸ سال پیش‌بینی نموده است. از این رو، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان نیز در رابطه با اطفال و بالغین زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده تا زمینه اجرای قواعد قانون مجازات اسلامی فراهم گردد. موضوع قابل تأمل در این حوزه، تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۰۴ است. بهتر می‌بود با توجه به ملاک قرار دادن سن زمان ارتکاب، حتی اگر در زمان رسیدگی نیز سن متهم فراتر از هجده سال باشد، به جهت بهره‌مندی بیشتر آنان از رویکرد حمایتی، رسیدگی همچنان در دادگاه کودکان و نوجوانان صورت گیرد. آنچه مهم است رسیدگی در بستر اختصاصی با در نظر گرفتن مزایای آن است و قسمت پایانی تبصره مشکلی را حل نمی‌کند. ملاک قرار دادن سن نوجوان در زمان ارتکاب جرم نیز دستگاه قضایی را با مشکل مواجه نمی‌کند؛ زیرا دادگاه اطفال، صالح به رسیدگی در رابطه با جرایم درجه ۵ تا ۸ اطفال و نوجوانان است. از سوی دیگر، طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مرور زمان جرایم تعزیری درجه ۵، هفت سال می‌باشد؛ بنابراین، حتی اگر نوجوانی در سن ۱۸ سالگی مرتکب سنگین‌ترین جرم قابل تصور در حوزه صلاحیت این دادگاه (جرم تعزیری درجه ۵) گردد و قبل از اینکه مشمول مرور زمان گردد، دستگیر شود حداکثر ۲۵ سال خواهد داشت که قاعدتاً رسیدگی به جرم چنین شخصی در دادگاه اطفال بسیار مناسب‌تر از رسیدگی در دادگاه بزرگسالان است؛ چراکه فرد مذکور، در دوران نوجوانی (قبل از ۱۸ سالگی) مرتکب جرم شده، لذا بی‌نیاز از حمایت‌های ویژه اطفال و نوجوانان نیست (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵). در رابطه با صلاحیت ذاتی دادگاه کودکان و نوجوانان توجه به ماده‌ی ۳۱۵ لایحه و تبصره ۱ آن مفید به نظر می‌رسد. با نگاهی به این ماده مشخص می‌گردد که از یکسو دادگاه کیفری یک صالح در رسیدگی به جرایم نوجوانان، تخصصی است و از سوی دیگر این دادگاه صرفاً در رابطه با رسیدگی به





جرایم ارتكابی «نوجوانانی» است که مرتكب جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌شوند. موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک در ماده‌ی ۳۰۲ ذکر شده است؛ بنابراین در صورت ارتكاب این جرایم توسط نابالغان، مرجع رسیدگی کننده همچنان دادگاه اطفال و نوجوانان که دادگاهی اختصاصی است صالح می‌باشد. با توجه به ماده‌ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ این ماده امکان ارتكاب جرایم مورد بحث از سوی نابالغان نیز وجود دارد. لازم به ذکر است که نگارش اولیه‌ی ماده‌ی ۳۱۵ در ابتدا به این صورت بود که در اصلاحیه‌ی خرداد ۱۳۹۴ تغییر یافت «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتكب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه‌ی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد».

رأی وحدت رویه ۶۵۱ مورخ ۱۳۸۹/۸/۳ نیز در مقام حل اختلاف میان دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه اطفال را صالح می‌دانست؛ بنابراین سکوت قانونگذار در این مورد نیز بایستی با در نظر گرفتن مصلحت کودک تفسیر گردد؛ بنابراین از آنجا که اطفال و نابالغان از گستره صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان خارج شده و صلاحیت این دادگاه محدود شده است، تغییر صورت گرفته در نگارش ماده‌ی ۳۱۵ همسو با آموزه‌های دادرسی اطفال بوده و از این رو قابل دفاع است. اما ایراد اساسی بر این ماده همچنان باقی است؛ زیرا با توجه به اینکه جرایم مشمول صلاحیت این دادگاه، اصولاً جرایم سنگین و مهمی می‌باشند، این سؤال مطرح می‌گردد که چرا چنین دادگاهی به صورت تخصصی پیش-بینی شده است؟ در حالی که سایر جرایم نوجوانان که قاعدتاً سبک‌تر هستند، در یک دادگاه اختصاصی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. بدیهی است نوجوانان نیز نیازمند توجه ویژه قانون-گذار هستند؛ همچنان که رویکرد کلی مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، یکسان-سازی قواعد دادرسی اطفال و نوجوانان است. در نتیجه اتخاذ چنین سیاستی مغایر با اهداف نظام عدالت کیفری اطفال بوده و نه تنها حاکی از فقدان رویه واحد و عدم انسجام قواعد



دادرسی اطفال بوده، بلکه مانعی بر سر راه دسترسی به اهداف مورد نظر می‌باشد. (غلامی، ۱۳۹۲).

### بند دوم: تشکیلات دادگاه

ریاست دادگاه اطفال و نوجوانان با رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد می‌باشد و این قضات بایستی از قضات دارای ۵ سال سابقه قضایی با رعایت شرایط سنی و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند انتخاب گردد (موسوی تبار، ۱۳۹۵). به موجب ماده ۲۹۸ در کنار قاضی این دادگاه یک نفر مشاور در نظر گرفته شده است که این مشاور بر اساس ماده ۴۱۰ بایستی از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب شوند. در خصوص نحوه انتخاب این مشاوران نیز تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید و انتخاب مجدد آنان بلامانع است». تبصره ۲ این ماده نیز برای حمایت ویژه از اطفال اناث، مقرر نموده که در صورت مونث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران بایستی زن باشد. در متن قبل از اصلاحات صورت گرفته، قانونگذار معین نموده بود که در کنار قاضی دو نفر مشاور قرار داشته اشد اما در اصلاحات صورت گرفته، قانونگذار تعداد مشاوران را به یک نفر کاهش داده اما فراموش نموده است تا در تبصره‌های ماده ۴۱۰ بازنگری نماید و چنانچه مشاهده می‌شود، در تبصره ۲ بیان نموده است که در صورت مونث بودن متهم حداقل یکی از مشاوران بایستی زن باشد که لفظ حداقل در اینجا اضافی بوده و بایستی مشاور در صورت امکان زن باشد. ماده ۴۱۱ نیز مقرر نموده است: «هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند رئیس



دادگستری می‌تواند شخصا به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مامور رسیدگی نماید».

### بند سوم: ترتیب رسیدگی

مواد ۴۱۲ تا ۴۱۷ در خصوص ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان تنظیم گردیده است. به موجب ماده‌ی ۴۱۲ در خصوص ابلاغ وقت رسیدگی مقرر گردیده است که این وقت بعد از تعیین به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ خواهد شد. تبصره ۱ این ماده نیز مقرر کرده است هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال تمام و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود یعنی به جهت بلوغ نیازی به ابلاغ به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی نخواهد بود، اما استثنای وارد در این ماده ابلاغ به دادستان و شاکی را نیز از دایره شمول خارج کرده است که این امری صحیح و معقول نمی‌باشد. بالاخص که بر مبنای قوانین بدون ابلاغ به شاکی امکان رسیدگی معقول به نظر نمی‌رسد که لازم است این موضوع مورد بازنگری قرار گیرد. تبصره ۲ نیز مقرر می‌دارد در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. این تبصره نیز در واقع در جرایم اشاره شده حضور شاکی و دادستان را الزامی نمی‌داند و در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان امکان رسیدگی را فراهم نموده و این خود یکی از حمایت‌های خوب قانونگذار از اطفال و نوجوانان است و حتی چه بهتر می‌بود در تبصره‌ای نیز مقرر می‌شد وقت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوان بایستی در اسرع وقت تعیین گردد. ماده ۴۱۳ نیز حضور اشخاص دیگر غیر از اشخاص مرتبط با پرونده را با اخذ نظر موافق دادگاه بلامانع اعلام نموده است. ماده ۴۱۴ نیز این موضوع را از زاویه‌ای دیگری نگریسته و بیان داشته است: «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره ۱ ماده



۳۰۴ این قانون اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رای دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.» در واقع قانونگذار با لفظ مصلحت اجازه داده است تا طفل در صورتی که عملاً نیازی به حضور او در دادگاه نباشد، در جلسه دادگاه حاضر نشود و این نیز یکی از حمایت‌های خوب این قانونگذار از اطفال و نوجوانان می‌باشد. (موسوی تبار، ۱۳۹۵). ماده ۴۱۵ نیز در خصوص تعیین و کیل برای اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ازش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسی و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او و کیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین و کیل یا عدم حضور و کیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم و کیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.» ماده ۴۱۷ نیز در خصوص رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم مقرر می‌دارد که بایستی طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر گردد و حضور طفل نیز در این رسیدگی لازم نمی‌باشد. ماده ۴۱۸ نیز به آخرین مرحله رسیدگی یعنی ابلاغ آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره و اعلام می‌دارد بایستی علاوه بر شاکی، متهم و محکوم‌علیه، به ولی و سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ شود.

### بند چهارم: مرجع تجدیدنظر و فرجام‌خواهی

به موجب ماده ۴۴۴ مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر و با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، دیوان عالی کشور است. به موجب ماده ۴۴۵ نیز تمام آراء دادگاه اطفال و نوجوانان قابل تجدیدنظر است. طریقه‌ی درخواست



تجدید نظر نیز به موجب ماده ۴۴۶ به این صورت است که می‌توان درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را به دفتر دادگاه صادر کننده حکم یا دفتر دادگاه تجدید نظر استان و یا چنان چه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود. در خصوص این که چه کسانی می‌توانند درخواست تجدید نظر را بدهند ماده ۴۴۷ مقرر نموده است که درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدید نظر نماید. مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدید نظر خواهی کند (قلائی، ۱۳۹۶).

### نتیجه‌گیری

آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز به الزامی بودن آن درباره اطفال و نوجوانان تا درجه ششم تصریح کرده است. با مطالعه منسجم و پیوسته در پرونده‌های شخصیت در حقوق کیفری و تبیین کیفیت تأثیرگذاری این پدیده بر نهادهای عدالت کیفری، این نتیجه حاصل می‌شود که اتخاذ هرگونه سیاست قضایی کارآمد و مفید بی توجه به شناخت اختلال‌های شخصیت مجرمان، ریشه یابی و درمان آن امکان پذیر نیست. باید در تصویب قانون به امکانات و شرایط موجود و امکان اجرایی‌کردن آن توجه کرده و آن را بومی سازی کنند. قانون‌گذار و مجریان، به ویژه قضات باید عوامل مؤثر بر تشکیل شخصیت و عوامل مؤثر بر بزهکاری اطفال و نوجوانان را شناسایی و در محتویات پرونده شناسایی شخصیت در کنار پرونده کیفری پیش بینی، تکمیل و بررسی آن را الزامی و برای این امر فرم‌های خاص تهیه کنند و در اختیار قضات قرار دهند و برای تنظیم نکردن آن ضمانت کیفری تعریف شود. برای تشکیل پرونده شخصیت و تکمیل آن و استفاده بهتر از آن باید امکانات مالی و نیروی انسانی (کارمند، قاضی، مددکار اجتماعی، کارشناسان و متخصصان ذیربط) را

مهیا و در اختیار مجریان قرار داد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقام تشکیل یک نظام دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان، تغییرات قابل توجهی داشته و نهادهای جدیدی را وارد گستره قواعد کیفری و به طور خاص، نظام عدالت کیفری اطفال کرده است. در یک نگاه کلی رویکرد جدید قانونگذار که متأثر از الگوهای حمایتی است، از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. هرچند در مواردی قانون گذار از الگوی حمایتی خویش فاصله گرفته و تحت تأثیر سایر الگوهای غیر حمایتی، رویکردی سزاگویانه در پیش گرفته است. قاعدتا مؤلفه‌های پاسخ به بزهکاری اطفال در قالب یک الگوی واحد نمی‌گنجد، اما آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است توجه به الگوهای حمایتی و علت شناسانه در حوزه دادرسی اطفال است.





## منابع و مآخذ

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۹۲)، عدالت کیفری ۲، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۲- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۳، تهران، انتشارات شهردانش.
- ۳- شاملو، باقر (۱۳۸۴)، حقوق بزهکاری اطفال ۱ و ۲ (جزوه درسی)، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- شاملو، باقر (۱۳۸۹)، عدالت کیفری و اطفال، چاپ ۱، تهران: نشر جنگل.
- ۵- صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونسف)، مجموع سخنرانی‌های ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، مترجم: مرعشی، ۱۳۷۸، تهران، جلد اول.
- ۶- غلامی، حسین (۱۳۸۷)، تکرار جرم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۷- نور بها، رضا (۱۳۸۰)، زمینه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- ۸- آشوری، محمد (۱۳۹۲). جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدارشدن بزهکاری جوانان. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۱، صفحات ۲۱۳-۱۹۵.
- ۹- پورقهرمانی، بابک؛ احدی، فاطمه (۱۳۹۳)، مسئولیت کیفری اطفال در سیاست قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۱، پاییز، صفحات ۲۷-۴۸.
- ۱۰- پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۲)، تاملی بر مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از سیاست تفریطی تا سیاست افراطی، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان: دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته.





- ۱۱- موسوی تبار، مرتضی (۱۳۹۵)، دادرسی های ویژه اطفال و نوجوانان در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بوته نقد.
- ۱۲- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۸)، جزوه جامعه شناسی کیفری، قم: مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی.
- ۱۳- میر کمالی، علی ؛ حسینی، اکبر (۱۳۹۵)، دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲.
- ۱۴- قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴.
- ۱۵- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۸.
- ۱۶- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
- ۱۷- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی